



شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران  
مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله عليها) شهرستان شیراز  
مقاله سطح ۲ (کارشناسی)

عنوان

## رد و حی در تجربه دینی

استاد راهنما  
سرکار خانم رضوی

پژوهشگر  
زهرا قایدی فرد

بهار ۹۷





شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران  
مدرسه علمیه الزهرا (س) شهرستان شیراز  
مقاله سطح ۲ (کارشناسی)

عنوان

**رد وحي در تجربه ديني**

استاد راهنما  
سرکار خانم رضوی

پژوهشگر  
زهرا قایدی فرد

بهار ۹۷

## چکیده

تجربه به معنای احساس درونی است؛ احساسی نه از طریق حواس پنجگانه. به عبارت دیگر، معرفت شهودی به موجود متعالی یا ماورای عالم مادی را تجربه دینی می گویند. بعضی فیلسوفان گفته اند، تجربه ی دینی آن است که تجربه گر آن را دینی تلقی کند. ولی با این وجود دریک تعریف کلی می گوید: «تجارب دینی، تجاربی هستند که تجربه کنندگان، آنها را در قالب تعبیر دینی توصیف می کنند و یا تجاربی هستند که ذاتاً دینی هستند». دانشمندان علم لغت برای واژه «وحی» کاربردهای گوناگونی برشمرده اند؛ مانند: نوشتن، اشاره، پیام، الهام، کلام مخفی، نوشته، کتاب. وحی در اصطلاح عبارت است از: تفهیم ویژه یک سلسله حقایق و معارف از جانب خداوند به انسان های برگزیده (پیامبران) از راهی غیر از طرق عادی معرفت (تجربه، عقل و شهود عرفانی) برای ابلاغ به مردم و راهنمایی آنان. وحی در فرهنگ اسلامی، مفهومی اساسی است. معمولاً ادیان را به ادیان «وحيانی» و «غیروحيانی» تقسیم کرده اند. در باب سرشت و چیستی وحی سه دیدگاه و برداشت متفاوت بین متکلمان مسیحی وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: دیدگاه گزاره ای، دیدگاه تجربه دینی، دیدگاه افعال گفتاری. کسانی که معتقد به امکان وجود تجربه دینی و وحی نبوی اند، اذعان دارند که بین وحی و تجربه دینی یک سری اشتراکات وجود دارد؛ یک: انسان یک موجود توانمند و دارای قابلیت ها و ظرفیت های متعدد است. انسان در این نگاه نه تنها دارای عقل و خرد و جسم، بلکه دارای بُعد دیگری به نام روح نیز هست. دو: این دو مقوله به نوعی امکان ارتباط با ماورای عالم وجود دارد و از شرط های مشترک دریافت وحی نبوی و مواجهه عرفانی، تزکیه و آراستن دل با یاد خداست و یک سری تغایر بین این دو وجود دارد: تجربه دینی، هیچ گونه ارزش معرفتی ای ندارد؛ زیرا ممکن است در هر تجربه دینی، تجربه گر، نفس خود را تجربه کند، ولی به خطا بپندارد که موجود متعالی را تجربه کرده است. عمده ترین و اساسی ترین تفاوت وحی تشریعی و تجربه دینی این است که وحی تشریعی یک مقوله بسط ناپذیر و تعمیم ناپذیر است. وحی رسالی، امری است که با اراده خداوند به منتخبین و برگزیدگان از انسان ها اختصاص می یابد. درحالی که تجربه ی دینی، نوعی حالت اکتسابی و همگانی و حتی قانونمند است، به طور کلی وحی تجربه دینی نیست.

**کلید واژه ها: وحی، تجربه، دینی، باری تعالی، مسیحی، دیدگاه.**

## ۱- مقدمه

یکی از موضوعات مهمی که همواره از دغدغه های جدی بشر بوده و او را به تفکر و تعقل واداشته ، ارتباط او با عالم ماورای طبیعت از طریق «وحی» است. توده مردم براساس فراخنا و تنگنای قلمرو معرفت شناختی خویش ، در برابر مدعی ارتباط با عالم فرا ماده (پیامبران) موضع گیری می کرده اند . کسانی که دارای نگرش مادی بوده و کل هستی را در عالم ماده منحصر می دانستند، امکان ارتباط انسان با عالم غیرمادی را انکار می کردند. بعضی هم برای باز شناسی مدعیان راستین از متنبیان دوغین، احتیاط کرده و زود تسلیم نمی شدند و از مدعی ارتباط اسرار امیز، خواستار دلیل و نشانه می شدند.

وحی مفهومی بنیادی در ادیان ابراهیمی و سنگ زیر بنای اسلام است. برای راقم ، اندیشیدن در باب وحی و سرشت آن، همواره جذابیت خاصی داشته است. اگر به تاریخ اندیشه های اسلامی؛ اعم از کلامی ، فلسفه و ... در طول چهارده قرن گذشته نظری بیفکنیم، این حقیقت آشکار می شود که سرشت وحی تا چه اندازه ای دراین اندیشه ها راه داشته و حضور ناپیدای آن در رشته های گوناگون علوم اسلامی هویدا است.

امروزه نیز مسئله «وحی» از جدی ترین و راهبردی ترین مسائل علم کلام و الهیات است که توجه دانشمندان و متکلمان را به خود جلب کرده است . دانشمندان با گرایش ها و نگرش های مختلف و از زاویه های متفاوت، مقوله «وحی» را پردازش کرده اند. رهاورد این تلاش ها و تحقیق ها ، رهیافت های گوناگونی است که در تفسیر چیستی و وحی شاهد هستیم.

در دوره مدرن دوجریان متفاوت نسبت به پدیده وحی شکل گرفت: نخست جریانی که وجود آن را نفی می کرد و دیگر ، جریانی که وجود آن را پذیرفت و در سرشت آن موشکافی می پرداخت. دیدگاه نخست «دیدگاه تجربه دینی» است. طرفداران این دیدگاه، وحی را مواجهه با خدا دانستند؛ وحی با تجربه پیامبر با حالات درونی پیامبر یکی است وحی اخذ حقایق نیست بلکه

متشخص وجود ندارد؛ بلکه ممکن است برای معتقدان سایر ادیان هم این تجارب حاصل آید. شلایر ماکر در نوشتار پرنفوذش ادعا کرد که تجربه دینی، تجربه عقلی یا معرفتی نیست؛ بلکه «احساس اتکای مطلق و یکپارچه به مبدأ یا قدرتی متمایز از جهان است». این تجربه، شهودی است قائم به خود است، و مستقل از مفاهیم، تصورات، اعتقادات یا اعمال می باشد. در حالی که آنچه در فرهنگ اسلامی به نام وحی وجود دارد، به معنای نوعی القای حقایق از طرف باری تعالی به پیامبر است؛ به طوری که نه تنها معانی، بلکه ساختار و شاکله جملات و نوع پیام ها نیز از طرف باری تعالی بوده و پیامبر فقط مأمور رساندن آن بدون هیچ کم و زیادی به مردم است.<sup>۱</sup>

## ۸- نتیجه گیری

تجربه به معنای احساس درونی است؛ احساسی نه از طریق حواس پنجگانه. به عبارت دیگر، معرفت شهودی به موجود متعالی یا ماورای عالم مادی را تجربه دینی می گویند. این مواجهه قلبی و شهودی گاه به خود خدا تعلق می گیرد و گاه حقایقی از آن جهان. بعضی فیلسوفان گفته اند، تجربه دینی آن است که تجربه گر آن را دینی تلقی کند. پرادفوت در کتاب تجربه دینی و دیویس در کتاب صدق تجربه دینی چنین دیدگاهی دارند. دیویس می گوید، چون سنت های دینی فراوان و تجارب متنوعی وجود دارد، تعریف دقیق این کلمه امکان پذیر نیست.

ولی با این وجود دریک تعریف کلی می گوید: «تجارب دینی، تجاربی هستند که تجربه کنندگان، آنها را در قالب تعبیر دینی توصیف می کنند و یا تجاربی هستند که ذاتاً دینی هستند.» دانشمندان علم لغت برای واژه «وحی» کاربردهای گوناگونی برشمرده اند؛ مانند: نوشتن، اشاره، پیام، الهام، کلام مخفی، نوشته، کتاب. ابن فارس بر آن است که ریشه ی اصلی وحی برالقای پنهانی دانش و غیر آن دلالت می کند و تمام استعمال های واژه وحی به این معنا بازمی گردد. راغب

---

۱- شیر علی، شجاعی، همان، ص ۱۷۲.

اصفهان‌ی نیز بر این باور است که اصل وحی اشاره سریع است؛ و به همین دلیل گفته می‌شود «امرٌ وَحیٌ» یعنی امر سریع.

وحی در اصطلاح عبارت است از: تفهیم ویژه یک سلسله حقایق و معارف از جانب خداوند به انسان‌های برگزیده (پیامبران) از راهی غیر از طرق عادی معرفت (تجربه، عقل و شهود عرفانی) برای ابلاغ به مردم و راهنمایی آنان

وحی در فرهنگ اسلامی، مفهومی اساسی است. معمولاً ادیان را به ادیان «وَحیانی» و «غیروَحیانی» تقسیم کرده‌اند. «ادیان وَحیانی» ادیانی هستند که در حقایقی از خدا برانسان نازل شده‌اند. و «ادیان غیروَحیانی» ادیانی هستند که در آن‌ها سخنی از نزول حقایق از جانب خدا در میان نیست، در ادیان وَحیانی، گرچه وحی مفهومی اساسی است، ولی معنای یکسانی از وحی در همه‌ی این ادیان محوریّت ندارد.

در باب سرشت و چیستی وحی سه دیدگاه و برداشت متفاوت بین متکلمان مسیحی وجود دارد که به ترتیب عبارتند از:

۱- دیدگاه گزاره‌ای: قدیمی‌ترین دیدگاه در مورد چیستی وحی، همان دیدگاه انتقال پیام است که از حمایت متفکرانی چون توماس اکویناس، صورت‌های مذهبی‌تر کاتولیک‌ها و پروتستان‌های محافظه‌کار امروزی در مورد وحی برخوردار است. بنابر این دیدگاه، وحی، نوعی انتقال اطلاعات است. خدا حقایقی را به صورت مجموعه‌ای از گزاره‌ها و قضایا به پیامبر انتقال می‌دهد و مجموعه‌ی این حقایق، اساس وحی را تشکیل می‌دهد.

۲- دیدگاه تجربه‌دینی: طبق این نگرش، سخنان پیامبران الهی و ایاتی که به عنوان وحی و کتاب‌های مقدس برای مردم تلاوت می‌کردند «عین وحی» نبوده است؛ بلکه گرچه خداوند به آنان وحی کرده و معارفی را القاء نموده، اما آنان «برداشت شخصی» و «تجربه خویش از وحی» را به زبان آورده‌اند. لذا آیات کتاب مقدس «متن ناب وحی» نیست؛ بلکه «بازتاب وحی در تجربه»

بشری» است. در نتیجه کتاب های مقدس که در بردارنده تفاسیر صاحبان تجربه و به نوعی بازتاب وحی اند، مصون از خطا نیستند. و چون این متون نیز مثل سایر متون عادی، خطا ناپذیر نیستند و باید با روش معمولی درباره آنها به داوری بنشینیم و فرق نمی کند تورات و انجیل باشد یا قرآن. یکی دیگر از ویژگی های این تجربه این است که قابل انتقال به غیر نبوده و همواره شخصی می ماند.

۳- دیدگاه افعال گفتاری: طبق این دیدگاه، وحی به این معناست که اولاً، خدا جملاتی معنادار را از زبانی خاص بر پیامبر عرضه می دارد. ثانیاً، این جملات مضمون خاصی از قبیل امر، نهی و اخبار دارند. ثالثاً، خدا با این جملات، پیامبر یا دیگران را به کارهایی وا می دارد.

دیدگاه افعال گفتاری، دست کم دو ادعا در باب وحی دارد: اولاً، وحی سرشت زبانی دارد و ارتباطی است که در قالب زبان طبیعی خاصی صورت میگیرد. ثانیاً، در این ارتباط زبانی، خدا افعالی را انجام می دهد. این نوح وحی، تفاوتی بنیادی با وحی گزاره ای و وحی به معنای تجربه دینی دارد.

کسانی که معتقد به امکان وجود تجربه دینی و وحی نبوی اند، اذعان دارند که بین وحی و تجربه دینی یک سری اشتراکات وجود دارد؛ یکی از نکات اشتراک وحی و تجربه دینی در این است که انسان یک موجود توانمند و دارای قابلیت ها و ظرفیت های متعدد است. انسان در این نگاه نه تنها دارای عقل و خرد و جسم ، بلکه دارای بُعد دیگری به نام روح نیز هست. انسان با این جنبه از وجود خود، قادر به درک و یافتن ادواق و مواجید و تجارت دینی خاصی است. یکی دیگر از نکات مشترک وحی و تجربه دینی در هر دو مقوله به نوعی امکان ارتباط با ماورای عالم وجود دارد و از شرط های مشترک دریافت وحی نبوی و مواجید عرفانی، تزکیه و آراستن دل با یاد خداست و یک سری تغایر بین این دو وجود دارد: تجربه دینی، هیچ گونه ارزش معرفتی ای ندارد؛ زیرا ممکن است در هر تجربه دینی، تجربه گر، نفس خود را تجربه کند، ولی به خطا بیندازد که موجود

متعالی را تجربه کرده است

عمده ترین و اساسی ترین تفاوت وحی تشریعی و تجربه دینی این است که وحی تشریعی یک مقوله بسط ناپذیر و تعمیم ناپذیر است. وحی رسالی، امری است که با اراده خداوند به منتجبین و برگزیدگان از انسان ها اختصاص می یابد. درحالی که تجربه ی دینی، نوعی حالت اکتسابی و همگانی و حتی قانونمند است.

به طور کلی وحی تجربه دینی نیست.

## فهرست منابع

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران، نشر سبحان، ۱۳۸۶.
۲. شجاعی، شیرعلی، نقد نظریه تجربه دینی، چاپ اول، قم، نشر المصطفی صل الله علیه و آله، ۱۳۹۰.
۳. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی نا، ج ۲، ۱۳۸۰.
۴. فتحعلی، محمود، انسان راه و راهنماشناسی، چاپ چهارم، قم، انتشارات امام خمینی، ۱۳۸۷.
۵. قائمی، علیرضا، وحی و افعال گفتاری، چاپ اول، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۱.
۶. کریمی، مصطفی، وحی شناسی، قم، انتشارات امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۶.
۷. نبویان، محمود، دنیای مدرن، چاپ دوم، قم، انتشارات امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳.
۸. یزدانی، عباس، تجربه ی دینی، اول، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۱.